

ساخت و اعتباریابی مقیاس سنجش نگرش نسبت به فرزندآوری (ATCHS) Construction and Validation of a Scale for Measuring the Attitude Towards Having Children

Mohammad Zarei, PhD

Samaneh Najarpourian, PhD✉

Abdolvahab Samavi, PhD

محمد زارعی^۱

سمانه نجار پوریان^۲

عبدالوهاب سماوی^۳

Abstract

The purpose of this research was to construct and validate a scale for measuring the attitude towards childbearing among childless working women. The research population consisted of all working women in Golpayegan who were working in public and private jobs in 1401-1402. Sampling was done based on the available method and among 239 of these women. After checking the validity of form and content and removing similar questions, the questionnaire for measuring attitude towards childbearing was designed as a 76-question version. After implementing factor analysis, 15 basic factors were obtained, and these 15 factors explained 79.86% of the variance of the questionnaire. Finally, after Varimax rotation and removing one factor, the questionnaire was confirmed with 14 final factors and appropriate factor loadings above 0.50. Cronbach's alpha was 0.96. Therefore, the items have a suitable internal coordination, which shows the appropriate reliability of the tool. In measuring the retest reliability of the scale, the level of coordination and correlation was 0.74, which shows a good level of response similarity and stability.

Keywords: Attitude, Childbearing, Working women

چکیده

هدف این پژوهش، ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش نگرش نسبت به فرزندآوری در زنان شاغل بدون فرزند بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان شاغل در شهر گلپایگان در سال‌های ۱۴۰۱ تا ۱۴۰۲ بود که در بخش‌های دولتی و خصوصی اشتغال داشتند. نمونه‌گیری به روش در دسترس انجام شد و ۲۳۹ نفر از این زنان در مطالعه شرکت کردند. پرسشنامه سنجش نگرش به فرزندآوری، پس از بررسی روایی صوری و محتوایی و حذف ماده‌های تکراری یا مشابه، در قالب نسخه‌ای ۷۶ سؤالی طراحی گردید. با اجرای تحلیل عاملی، ۱۵ عامل اصلی استخراج شد که در مجموع، ۷۹/۸۶ درصد از واریانس کل پرسشنامه را تبیین کردند. در ادامه، با به‌کارگیری چرخش واریماکس و حذف یک عامل، ساختار نهایی ابزار شامل ۱۴ عامل با بارهای عاملی بالاتر از ۰/۵۰ مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۶ به‌دست آمد که بیانگر هماهنگی درونی بسیار مطلوب گویه‌ها و اعتبار بالای ابزار است. همچنین، اعتبار بازآزمایی مقیاس از طریق ضریب همبستگی ۰/۷۴ تأیید شد که نشان‌دهنده ثبات و همسانی مناسب پاسخ‌ها در طول زمان است.

واژه‌های کلیدی: نگرش، فرزندآوری، زنان شاغل

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۶/۱۴ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۲/۷

۱. گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

۲. گروه مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه هرمزگان، بندرعباس، ایران.

● مقدمه

گرایش به فرزندآوری یکی از اهداف مهم زندگی زناشویی و از مسائل بنیادین مورد توجه خانواده‌ها از منظر زیستی، اجتماعی و روان‌شناختی است. تمایل به داشتن فرزند نه تنها یکی از مؤلفه‌های هویتی افراد محسوب می‌شود، بلکه نقش مهمی در پایداری ساختار خانواده، پیوستگی نسل‌ها و توسعه پایدار جوامع ایفا می‌کند (بروجردی و همکاران، ۱۴۰۳). باروری (fertility) و تولید مثل اساس زندگی مشترک و یکی از وظایف اساسی زندگی زناشویی است. در واقع می‌توان گفت پس از زنده بودن و زنده ماندن، بقا و ادامه نسل مهم‌ترین مسئله است که از آغاز خلقت بشر مورد توجه بوده است (کانینگهام، ۱۹۸۹؛ به نقل از زارعی، ۱۳۹۱).

تشکیل خانواده و داشتن فرزند، به دلیل کمک به رفع نیازهای عاطفی، روان‌شناختی و جسمانی، همراه با شرایط محیطی مساعد، موجب افزایش سازگاری اجتماعی افراد می‌شود و از آسیب‌های اجتماعی مانند طلاق، خیانت و اعتیاد پیشگیری می‌کند. در بسیاری از موارد، زوجینی که فرزند ندارند، سریع‌تر و راحت‌تر از زوج‌های دارای فرزند به طلاق می‌رسند، ممکن است بیشتر درگیر رفتارهای ناپخته، پرخطر و غیرمسئولانه شوند و مشکلات بیشتری را تجربه کنند (ایساکس و آندی پاتین، ۲۰۲۰).

رشد شتابان جمعیت و فرزندآوری بالا در کشورهای در حال توسعه طی دهه‌های گذشته و کاهش آن در سال‌های اخیر، چالش‌ها، تحولات و دگرگونی‌های متعددی در ساختار برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، آموزشی، بهداشتی و فرهنگی کلان این کشورها ایجاد کرده است (یوانگ یان و همکاران، ۲۰۲۴).

در ادبیات روان‌شناسی اجتماعی، تمایل به فرزندآوری از طریق نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (theory of planned behavior) تحلیل می‌شود (آزجن، ۱۹۹۱). بر اساس این نظریه، نگرش فرد نسبت به یک رفتار، به همراه هنجارهای ذهنی و ادراک از کنترل رفتاری، پیش‌بینی‌کننده نیت و در نهایت رفتار واقعی فرد است. بنابراین، نگرش مثبت یا منفی نسبت به فرزندآوری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در رفتارهای باروری افراد ایفا کند.

از سوی دیگر، تغییرات بنیادین در ارزش‌های اجتماعی، به‌ویژه در جوامع در حال گذار، موجب تحول در اولویت‌های زندگی فردی شده است. نظریه «گذار دوم جمعیتی» (لستهگ، ۲۰۱۰) نشان می‌دهد که در جوامع مدرن، اولویت‌هایی نظیر خودمختاری، رشد فردی و رضایت شخصی جایگزین ارزش‌های سنتی مانند ازدواج زود هنگام و فرزندآوری زیاد شده‌اند. همچنین، افزایش تحصیلات زنان، مشارکت اجتماعی و اقتصادی آنان و تقویت هویت فردی، همگی در کاهش نرخ باروری نقش آفرین بوده‌اند (اینگلهارت و نوریس، ۲۰۰۳؛ بک و بک-گرنزهیمل، ۲۰۰۲).

عوامل متعددی می‌توانند رفتار فرزندآوری را تقویت یا تضعیف کنند؛ این عوامل از ترجیحات درون‌فردی و شخصی که در قرن جدید تغییر یافته‌اند تا تأثیرات بین‌فردی، اجتماعی و فرهنگی متغیر هستند. تمایل به داشتن فرزند یک خواست طبیعی است که در بسیاری موارد تحت تأثیر عوامل فردی، بین‌فردی و اجتماعی به نبود تمایل تبدیل می‌شود. کاهش تمایل به فرزندآوری با تغییر سبک زندگی زنان، افزایش اشتغال و حضور اجتماعی آنها و اهمیت یافتن موفقیت تحصیلی به عنوان ارزش متعالی، حتی تا سطوح عالی، در بسیاری از کشورها از دهه‌های گذشته به رشد منفی جمعیت منجر شده است (یونگارت و همکاران، ۲۰۱۹).

زنان، به عنوان اصلی‌ترین اعضای که وظیفه مراقبت از فرزند قبل و بعد از تولد را بر عهده دارند، به دلیل محدودیت‌هایی که در دوران بارداری و پس از آن ایجاد می‌شود، تمایل کمتری به فرزندآوری دارند. برخی تحقیقات اخیر نشان می‌دهد که نگرش مثبت نسبت به فرزندآوری در زنان شاغل کاهش یافته است (مشفق، مرادی و حسین‌خانی، ۱۳۹۶).

مطالعه مباحثی و همکاران (۱۳۹۲) نگرش منفی نسبت به فرزندآوری را یکی از عوامل مؤثر بر کاهش نرخ تولد معرفی کرده است. نگرش، امری ذهنی و هیجانی است که می‌تواند تحت تأثیر عوامل خاص به صورت عمومی در یک جامعه تغییر کند و تحولات بنیادین در سرنوشت آن کشور ایجاد نماید (جوادی یگانه، ۱۳۹۴). بنابراین، رصد نگرش‌های عمومی و انجام نظرسنجی‌های مردمی از دغدغه‌های اساسی حکومت‌ها برای شناسایی و مداخله در فرآیند همه‌گیری نگرش‌ها و تبدیل آنها به فرهنگ عمومی و در نهایت تأثیر بر رفتار انسان‌ها و شاخص‌های کلان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (سوبوتا و همکاران، ترجمه صادقی و بگی، ۱۳۹۹).

نگرش به فرزندآوری نیز از این جهت اهمیت دارد که ابعاد جمعیتی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی عمیقی دارد و کاهش آن تبعات

سنگینی برای کشور به همراه خواهد داشت. نگرش‌ها، مانند سایر نگرش‌ها، قابلیت تغییر و تعدیل دارند و شرایط اجتماعی در دوره‌های مختلف می‌توانند آنها را دستخوش تغییر نمایند (رضوانی و رضایان، ۱۴۰۱). معمولاً نگرش‌های منفی به سهولت شکل می‌گیرند زیرا با سیستم بقا و امنیت مغز مرتبط‌اند، اما نگرش‌های مثبت نیازمند تلاش ارادی برای آموزش و ساختن هستند (گیلبرت، ۲۰۱۴). ایران یکی از کشورهایی است که در دو دهه اخیر دچار افت شدید نرخ باروری شده و روند پیری جمعیت در آینده با سرعت رو به افزایش است. نبود تمایل به فرزندآوری در شرایطی که نرخ رشد جمعیت ایران در سال‌های اخیر به حد بسیار پایینی رسیده است، می‌تواند به تهدیدی جدی در زمینه پیری جمعیت و چالش‌های اساسی اجتماعی و اقتصادی تبدیل شود. بنابراین، ضروری است عوامل مؤثر بر کاهش جمعیت، از جمله نگرش منفی نسبت به فرزندآوری و ابعاد مختلف آن شناسایی شوند تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با این روند بررسی گردد. با توجه به نبود پرسشنامه‌ای جامع و مبتنی بر فرهنگ ایرانی برای سنجش نگرش به فرزندآوری، ضرورت ساخت و اعتبارسنجی چنین ابزاری احساس می‌شود. لذا این مطالعه با هدف ساخت پرسشنامه نگرش به فرزندآوری در زنان شاغل و پاسخ به دو سؤال زیر انجام شد: ۱- آیا پرسشنامه طراحی شده از اعتبار کافی برخوردار است؟ ۲- آیا پرسشنامه طراحی شده از روایی کافی برخوردار است؟

• روش

جامعه آماری پژوهش انجام شده عبارت است از زنان شاغل بدون فرزند شهرستان گلبایگان که در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول به کار در مشاغل دولتی و خصوصی بودند. برای طراحی سؤالات پرسشنامه از نتایج پژوهش زارعی، نجارپوریان، سماوی (در نوبت انتشار) با عنوان طراحی یک مدل پارادایمی درباره نگرش به فرزندآوری در زنان شاغل بدون فرزند استفاده شد. در این پژوهش با ۱۵ نفر از افراد جامعه به صورت نمونه در دسترس به منظور اکتشاف پدیده مورد نظر، مصاحبه‌های عمیق و نیمه‌ساختار یافته انجام شد. از تحلیل مصاحبه‌ها در قالب کدگذاری باز، ۸۷ کد اولیه به دست آمد و پس از کدگذاری محوری، تعداد ۲۴ مفهوم و پس از کدگذاری انتخابی، ۱۱ مقوله اصلی حاصل شد؛ که این مقولات عبارتند از: نبود تمایل به فرزندآوری، مسائل و مشکلات زوجی، مشکلات اقتصادی، کمبود امکانات عمومی و اجتماعی، مسائل و مشکلات سازمانی و شغلی، مشکلات و مسائل شخصی، موانع فرهنگی و محیطی، سیستم خانواده هسته‌ای، جایگزینی، سرکوب، عادت به زندگی بدون فرزند.

بر این اساس، این پرسشنامه در نسخه اولیه خود ۸۶ سؤال داشت. در مراحل بعدی، پس از اعمال نظر ۵ نفر متخصص روان‌شناسی در بررسی روایی صوری و محتوایی، تعدادی از سؤالات مشابه حذف و جملات اصلاح گردید و نسخه ۷۶ سؤالی طراحی شد. پاسخ‌دهی به سؤالات در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای انجام گرفت، از «کاملاً موافقم» (۵) تا «کاملاً مخالف» (۱). پس از اجرای اولیه آزمون روی یک نمونه ۶۰ نفری و به دست آوردن اعتبار مناسب (۰/۷)، پرسشنامه برای اجرای نهایی روی نمونه ۲۵۰ نفری از اعضای جامعه مورد پژوهش (براساس جدول مورگان)، آماده شد. بعد از کنار گذاشتن ۱۱ پرسشنامه مخدوش براساس نتایج تعداد ۲۳۹ پرسشنامه جهت کشف و تأیید عوامل احتمالی پرسشنامه، تحلیل عاملی اکتشافی انجام شد.

• یافته‌ها

به منظور کشف و تأیید عوامل احتمالی پرسشنامه تحلیل عاملی اکتشافی همراه با چرخش واریماکس انجام گرفت. پیش از اجرای این تحلیل، شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO و آزمون بارتلت برای بررسی مناسب بودن داده‌ها جهت تحلیل عاملی مورد ارزیابی قرار گرفت.

جدول ۱. نتایج شاخص کفایت نمونه‌گیری KMO و آزمون کرویت بارتلت

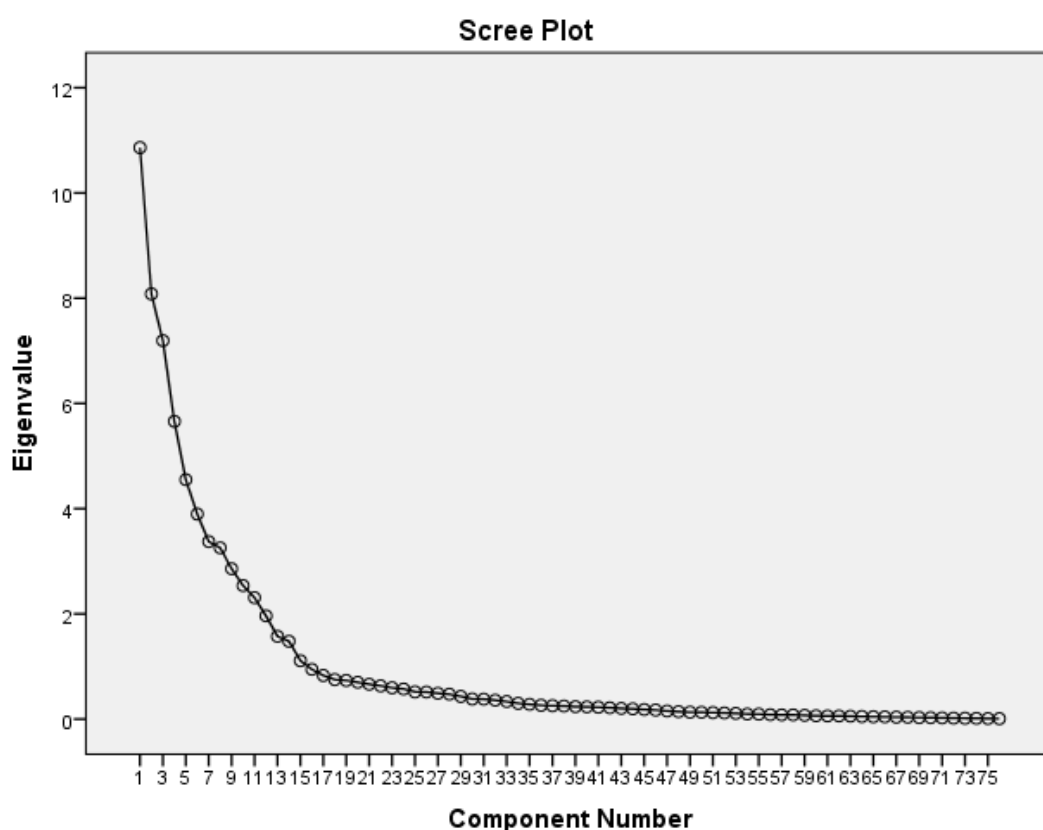
شاخص	مقدار
شاخص کفایت نمونه‌گیری (KMO)	۰/۶۰
آماره آزمون بارتلت (Bartlett's Test)	$\chi^2 = 21480.88$
درجات آزادی (df)	۲۸۵۰
سطح معناداری (Sig.)	۰/۰۰

اطلاعات جدول شماره ۱ نشان داد که با نمونه‌ای شامل ۲۳۹ زن شاغل بدون فرزند، شرایط لازم برای اجرای آزمون تحلیل عاملی اکتشافی فراهم و مناسب است

جدول ۲. مؤلفه‌های تحلیل عاملی و درصد واریانس تبیین شده

مؤلفه	مقدار ویژه اولیه (Eigenvalue)	درصد واریانس تبیین شده	درصد واریانس تجمعی	مقدار ویژه چرخش یافته	درصد واریانس چرخش یافته	درصد تجمعی چرخش یافته
۱	۱۰/۸۶	۱۴/۲۹	۱۴/۲۹	۵/۵۳	۷/۲۸	۷/۲۸
۲	۸/۰۸	۱۰/۶۳	۲۴/۹۲	۵/۳۳	۷/۰۲	۱۴/۳۰
۳	۷/۱۹	۹/۴۷	۳۴/۳۹	۵/۳۲	۷/۰۰	۲۱/۳۰
۴	۵/۶۶	۷/۴۵	۴۱/۸۳	۵/۰۶	۶/۶۶	۲۷/۹۶
۵	۴/۵۵	۵/۹۹	۴۷/۸۲	۵/۰۵	۶/۶۴	۳۴/۶۰
۶	۳/۹۰	۵/۱۳	۵۲/۹۵	۴/۹۱	۶/۴۶	۴۱/۰۶
۷	۳/۳۷	۴/۴۴	۵۷/۳۹	۴/۷۵	۶/۲۴	۴۷/۳۱
۸	۳/۲۵	۴/۲۸	۶۱/۶۷	۴/۱۴	۵/۴۵	۵۲/۷۵
۹	۲/۸۶	۳/۷۶	۶۵/۴۳	۴/۱۰	۵/۴۰	۵۸/۱۵
۱۰	۲/۵۴	۳/۳۴	۶۸/۷۷	۳/۵۹	۴/۷۳	۶۲/۸۸
۱۱	۲/۳۱	۳/۰۴	۷۱/۸۱	۳/۵۰	۴/۶۰	۶۷/۴۸
۱۲	۱/۹۶	۲/۵۸	۷۴/۳۹	۳/۴۷	۴/۵۷	۷۲/۰۵
۱۳	۱/۵۷	۲/۰۷	۷۶/۴۶	۲/۵۱	۳/۳۰	۷۵/۳۵
۱۴	۱/۴۶	۱/۹۵	۷۸/۴۱	۲/۱۶	۲/۸۵	۷۸/۲۰
۱۵	۱/۱۱	۱/۴۶	۷۹/۸۷	۱/۲۷	۱/۶۷	۷۹/۸۷

براساس نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی و با به‌کارگیری چرخش واریماکس، ۱۵ مؤلفه با مقدار ویژه (Eigenvalue) بالاتر از ۱ استخراج شد که در مجموع ۷۹/۸۶ درصد از واریانس کل متغیرها را تبیین می‌کنند. این میزان واریانس تبیین شده، برای تأیید ساختار عاملی ابزار مورد نظر قابل قبول است. همچنین، بر اساس معیار کایزر (Kaiser Criterion)، تنها مؤلفه‌هایی با مقدار ویژه بالاتر از ۱ در تحلیل نگه داشته شده‌اند.



همچنین، نمودار اسکری نیز کاهش محسوس مقدار ویژه‌ها پس از مؤلفه پانزدهم را نشان می‌دهد و از انتخاب این تعداد مؤلفه پشتیبانی می‌کند. تبیین نزدیک به ۸۰ درصد از واریانس در تحلیل عاملی، نشان‌دهنده ساختار درونی منسجم و چندبعدی پرسشنامه است. نتایج تحلیل مؤلفه‌های اصلی همراه با چرخش واریماکس نشان داد که ۱۵ مؤلفه با مقدار ویژه‌ای بزرگ‌تر از یک استخراج شده است. این مؤلفه‌ها به‌طور کلی ساختار عاملی پرسشنامه را شکل می‌دهند. هریک از ماده‌ها براساس بالاترین بار عاملی، به یکی از مؤلفه‌ها تخصیص یافته‌اند و در تمامی موارد، بار عاملی ماده‌ها بالاتر از ۰/۵۰ گزارش شده است؛ که این میزان به‌عنوان حداقل آستانه قابل قبول برای بارهای عاملی در تحلیل اکتشافی محسوب می‌شود. این نتایج نشان می‌دهد که ماده‌ها ارتباط معناداری با مؤلفه‌های مرتبط خود داشته‌اند و ساختار عاملی ابزار از کفایت نمونه و همسانی درونی مطلوبی برخوردار است.

علاوه بر این، چرخش واریماکس باعث تسهیل در تفسیر مؤلفه‌ها شده است، زیرا این روش چرخش متعامد با افزایش بارهای عاملی بالا و کاهش بارهای پایین، تفکیک مؤلفه‌ها را واضح‌تر و متمایزتر می‌سازد (کاستلو و اسپورن، ۲۰۰۵). همچنین، عدم وجود بارگذاری دوگانه (cross-loading) قابل توجه میان ماده‌ها بیانگر وضوح مفهومی بالای مؤلفه‌های استخراج شده و حداقل هم‌پوشانی مفهومی بین آنها است.

درمجموع، نتایج تحلیل عاملی اکتشافی گویای ساختار مفهومی مناسب و روایی سازه‌ای مطلوب ابزار است و حاکی از آن است که هریک از مؤلفه‌ها به‌خوبی توسط مجموعه‌ای از ماده‌های هم‌راستا و مفهومی نمایندگی شده‌اند.

جدول ۳. ساختار عاملی پرسشنامه و نمونه گویه‌ها

عامل	گویه‌ها	محدوده بارعاملی	نمونه گویه‌ها
مسائل شغلی	S61-S68	۰/۶۶ - ۰/۸۳	تضاد نقش‌های کاری و والدینی به نظرم پیش میاد و بچه نداشته باشم بهتره.
مسائل محیطی و اجتماعی	S44- S50	۰/۷۷ - ۰/۸۴	با دیدن آسیب‌های اجتماعی، متقاعد شده‌ام که داشتن فرزند سختی‌های زیادی دارد.
ترس از مسئولیت و سختی	S51-S57	۰/۷۴ - ۰/۹۱	فکر اینکه باید از یک بچه مراقبت کنم من رو می ترسونه.
ترس از مسائل پزشکی و سلامت	S18- S23	۰/۸۲ - ۰/۸۸	امکان تولد نوزادان دارای معلولیت جسمی ذهنی وجود داره و من می‌ترسم بچه‌دار بشم.
مسائل اقتصادی	S1- S7	۰/۶۹ - ۰/۸۳	زندگی با فرزند از لحاظ اقتصادی دشوار است.
مشکلات زناشویی	S8- S13	۰/۷۲ - ۰/۹۱	وجود مشکلات معیشتی باعث می‌شود نخواهم بچه‌دار شوم.
احساس ناکارآمدی والدگری	S28- S33	۰/۷۰ - ۰/۸۷	نبود رابطه گرم با همسر باعث شده بچه‌دار نشوم.
ترس و سرکوب	S38- S43	۰/۷۲ - ۰/۸۱	در خودم توان والد شدن نمی بینم.
فرهنگ محدودکننده	S72- S76	۰/۷۷ - ۰/۸۶	احساس بدی نسبت به زندگی و خودم دارم و به همین خاطر فکر می‌کنم بچه داشتن در این شرایط کم‌خردی پس به میل قلبی ام اهمیت نمی دهم.
سرگرمی جایگزین	S24- S27	۰/۷۶ - ۰/۸۶	چون کلا بچه کمه، من هم اگر بچه داشته باشم تنها می شه.
کاهش حمایت والدین	S14-S17	۰/۵۶ - ۰/۸۴	خیلی سرگرمی‌های متنوع دارم که به فرزنددار شدن فکر نمی‌کنم.
ضعف در تقدس گرایی	S34- S37	۰/۷۳ - ۰/۸۷	من حمایت والدینم را برای داشتن فرزند به دلیل دوری و مشکلات ندارم.
عادت به تنهایی	S69- S71	۰/۸۷ - ۰/۹۱	داشتن فرزند به نظر من امری بی‌معنا است.
عدم تمایل والدگری	S58- S60	۰/۸۱ - ۰/۸۴	زندگی الانم رو دوست دارم و سازگار شدم با بی فرزندی.
			در برخورد با بچه‌ها احساس خوبی دارم اما دوست ندارم خودم بچه‌دار شوم.

به‌منظور سنجش روایی مقیاس، ابتدا روایی صوری و محتوایی آن توسط دو نفر از اساتید مجرب حوزه جمعیت‌شناسی و خانواده مورد تأیید قرار گرفت. براساس نظرات ایشان، اصلاحاتی در ماده‌های نامفهوم انجام شد و برخی سؤالات نامرتبط از نسخه اولیه مقیاس حذف گردید. برای ارزیابی اعتبار ابزار، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شد.

جدول ۴. شاخص‌های اعتبار پرسشنامه نگرش به فرزندآوری

تعداد ماده‌ها	آلفای کرونباخ
۷۶	۰/۹۷

اطلاعات جدول نشان می‌دهد که ضریب آلفای کرونباخ برابر با ۰/۹۷ است که بیانگر همسانی درونی بسیار مناسب ماده‌ها است. بنابراین، ماده‌ها از هماهنگی درونی قابل قبولی برخوردارند و این موضوع اعتبار مطلوب ابزار را تأیید می‌کند.

همچنین، به منظور سنجش اعتبار بازآزمایی، آزمون مجدد پس از گذشت ۲۰ روز روی ۱۰۰ نفر از نمونه‌ها اجرا شد. نتایج نشان داد که میزان همبستگی و هماهنگی بین دو مرحله برابر با ۰/۷۴ است که بیانگر ثبات قابل قبول و همسانی پاسخ‌ها در طول زمان است.

• بحث

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، نگرش یک سازه ذهنی-هیجانی است که در تعامل با ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و روان‌شناختی شکل می‌گیرد و می‌تواند نقش محوری در جهت‌گیری‌های رفتاری ایفا کند. در حوزه فرزندآوری، نگرش افراد نسبت به داشتن فرزند یکی از مهم‌ترین عوامل روانی و شناختی است که تصمیم‌گیری درباره باروری را تحت تأثیر قرار می‌دهد. از همین رو، فهم این نگرش‌ها به‌ویژه در گروه‌های جمعیتی خاص، از جمله زنان شاغل بدون فرزند، اهمیت دوچندان می‌یابد.

تحولات اجتماعی دهه‌های اخیر، به‌ویژه در حوزه تحصیلات، اشتغال زنان و تغییر سبک زندگی، منجر به تغییر در الگوهای ارزشی و هویتی زنان شده است. در نتیجه، فرزندآوری که در گذشته به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین نقش‌های زنانه تلقی می‌شد، اکنون در میان برخی از زنان با تردید، تعویق یا حتی رد کامل مواجه شده است. مطالعات پیشین نیز نشان داده‌اند که نگرش منفی نسبت به فرزندآوری می‌تواند به‌صورت مستقیم با کاهش نرخ تولد مرتبط باشد (مباشری و همکاران، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، در بسیاری از جوامع مدرن، رشد منفی جمعیت به یکی از چالش‌های کلان بدل شده که بخشی از آن به تغییر در نگرش‌ها نسبت به والدگری بازمی‌گردد (بونگارت و همکاران، ۲۰۱۹).

با توجه به چنین زمینه‌ای، بررسی دقیق و علمی نگرش زنان نسبت به فرزندآوری، مستلزم ابزارهایی روا، معتبر و مبتنی بر بافت فرهنگی-اجتماعی بومی است. این در حالی است که تا پیش از این پژوهش، مقیاسی ویژه برای سنجش نگرش زنان شاغل بدون فرزند نسبت به فرزندآوری در دسترس نبوده است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف ساخت و اعتبارسنجی یک مقیاس بومی برای سنجش این نگرش انجام شده و تلاش کرده است تا با استفاده از تحلیل عاملی و سنجش روایی و اعتبار، ابزاری دقیق و قابل اتکا برای مطالعات آینده فراهم آورد.

نتایج تحلیل عاملی این پژوهش، آشکار ساخت که نگرش به فرزندآوری یک سازه چندبعدی است و تحت تأثیر مؤلفه‌های متعددی قرار دارد که از زمینه‌های شغلی و اقتصادی تا جنبه‌های روان‌شناختی، زناشویی و فرهنگی را در برمی‌گیرد. استخراج ۱۴ عامل با بارهای عاملی مناسب و تبیین بیش از ۷۹ درصد از واریانس کل، نشان از پیچیدگی و غنای این سازه دارد. این مسئله، بر ضرورت برخورد چندبعدی و میان‌رشته‌ای با مسئله فرزندآوری تأکید می‌کند؛ چراکه نگرش به فرزند، نه فقط تابع ملاحظات جمعیتی یا اقتصادی، بلکه برآمده از لایه‌های عمیق‌تری از تجربه زیسته، ارزش‌ها و باورهای زنان است.

بر همین اساس، ابزار طراحی‌شده در این پژوهش می‌تواند راهگشای تحقیقات آتی در حوزه مطالعات جمعیت، روان‌شناسی خانواده و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در حوزه فرزندآوری باشد. از آنجا که سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه جمعیت، بدون شناخت دقیق از عوامل روان‌شناختی و نگرشی اثرگذار بر فرزندآوری، فاقد کارآمدی لازم خواهند بود، ساخت چنین ابزاری می‌تواند به‌عنوان یک حلقه مفقوده در تحلیل‌های سیاستی و برنامه‌ریزی جمعیتی تلقی گردد.

• نتیجه‌گیری

با توجه به نبود مقیاسی معتبر و بومی برای سنجش نگرش نسبت به فرزندآوری در گروه خاص زنان شاغل بدون فرزند، پژوهش حاضر با هدف طراحی و اعتبارسنجی پرسشنامه‌ای جامع در این زمینه انجام شد. این ابزار توانست با بهره‌گیری از روش‌های آماری معتبر، به‌ویژه تحلیل عاملی اکتشافی، ابعاد مختلف نگرش به فرزندآوری را در قالب ۱۴ عامل مشخص کند که در مجموع قادر به تبیین حدود ۷۹/۸۶ درصد از واریانس کل بوده‌اند. این یافته‌ها نشان‌دهنده پیچیدگی و چندبعدی بودن نگرش به فرزندآوری و ضرورت برخورد میان‌رشته‌ای برای تحلیل این موضوع است.

پرسشنامه ساخته‌شده از نظر روایی و اعتبار نیز دارای ویژگی‌های مطلوبی بود؛ آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و ضریب همبستگی بازآزمایی ۰/۷۴ بیانگر انسجام درونی بالا و ثبات پاسخ‌ها در طول زمان است. این ابزار می‌تواند به‌عنوان یک مبنای معتبر و کاربردی در مطالعات

روان‌شناختی، جمعیت‌شناختی و سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مرتبط با فرزندآوری به کار گرفته شود. از آنجا که سیاست‌های جمعیتی موفق نیازمند شناخت دقیق از نگرش‌ها و عوامل روان‌شناختی مؤثر بر رفتار باروری هستند، این پرسشنامه می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کمک کند تا راهکارهای هدفمندتر و مؤثرتری برای افزایش تمایل به فرزندآوری طراحی کنند.

از جمله محدودیت‌های این مطالعه می‌توان به تمرکز صرف بر زنان شاغل بدون فرزند اشاره کرد؛ درحالی‌که نگرش‌های فرزندآوری در زنان ممکن است تحت تأثیر نگرش همسران یا دیگر عوامل خانوادگی قرار گیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی علاوه بر زنان، نگرش مردان و کل خانواده نیز مورد بررسی قرار گیرد. همچنین تعمیم‌پذیری نتایج به سایر مناطق و گروه‌های جمعیتی نیازمند مطالعات تکمیلی است. در نهایت، توسعه و به‌کارگیری چنین ابزارهایی می‌تواند نقش مهمی در ارتقاء آگاهی‌های جمعیتی و اتخاذ سیاست‌های مؤثر در جهت حفظ تعادل جمعیتی و توسعه پایدار کشور داشته باشد.

• تعارض منافع

نویسندگان این مقاله اعلام می‌دارند که هیچ‌گونه تعارض منافع مالی، حرفه‌ای یا شخصی در ارتباط با انجام این پژوهش وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

نویسندگان مقاله بر خود لازم می‌دانند از تمامی افرادی که در فرآیند اجرای این پژوهش، به‌ویژه در جمع‌آوری داده‌ها، تحلیل آماری و بازبینی علمی پرسشنامه، همکاری و همراهی داشته‌اند، صمیمانه تشکر و قدردانی نمایند. همچنین از اساتید محترمی که با نظرات سازنده خود در ارتقای کیفیت ابزار طراحی‌شده یاری‌رسان بودند، سپاسگزاری می‌شود.

• منابع

- بروجردی، ح.، جواهری محمدی، ع.، و مدنی، ی. (۱۴۰۳). تجربه زیسته نوجوانان تک‌فرزند در تعاملات بین‌فردی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸ (۲)، ۲۲۵-۲۳۳.
- جوادی‌یگانه، م. ر. (۱۳۹۴). *پیمایش ملی ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان*. دفتر طرح‌های ملی با همکاری مرکز ملی رصد اجتماعی وزارت کشور.
- رضوانی، س. ز.، و رضائیان، ح. (۱۴۰۱). نقد و بررسی دلایل روان‌شناختی سودگرایان بر فرزندآوری. *تأملات اخلاقی*، ۴ (۳)، ۱۳۰-۱۰۳.
- زارعی، ن.، رسول‌زاده طباطبایی، ک.، و آذین، س. ع. (۱۳۹۱). مقایسه میزان افسردگی، اضطراب و تنیدگی در سه‌ماهه‌های اول، دوم و سوم بارداری در زنان باردار عادی و زنان باردار تحت درمان ناباروری. *روان‌شناسی سلامت*، ۴ (۱)، ۵-۱۸.
- سوبوتا، ت.، ماتیساک، آ. و بروسکا، ز. (۱۳۹۹). *پاسخ‌های سیاستی به باروری پایین* (ترجمه ر. صادقی و م. بگی). تهران: موسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- مشفق، م.، مرادی ثانی، ق. و حسین‌خانی، س. (۱۳۹۶). تحلیلی بر رابطه اشتغال و تمایل به فرزندآوری در بین زنان شاغل در آستانه ازدواج در سطح استان‌های کشور. *فصلنامه جمعیت*، ۲۳ (۹۵ و ۹۶)، ۱-۲۴.
- مباشری، م.، علیدوستی، م.، حیدری سورشجانی، س.، خسروی، ف.، و خلیفان‌پوران، ج. م. (۱۳۹۲). تعیین مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر الگوی باروری خانواده‌های تک‌فرزند و بدون فرزند شهرستان شهرکرد در سال ۱۳۹۲. *مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی ایلام*، ۲۱ (۶)، ۶۳-۷۰.
- Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50(2), 179-211. DOI: [10.1016/0749-5978\(91\)90020-T](https://doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T)
- Beck, U., & Beck-Gernsheim, E. (2001). Individualization: Institutionalized individualism and its social and political consequences.
- Bongaarts, J., Blanc, A. K., & McCarthy, K. J. (2019). The links between women's employment and children at home: Variations in low-and middle-income countries by world region. *Population studies*, 73(2), 149-163. DOI: [10.1080/00324728.2019.1581896](https://doi.org/10.1080/00324728.2019.1581896)
- Costello, A. B., & Osborne, J. (2005). Best practices in exploratory factor analysis: Four recommendations for getting the most from your analysis. *Practical assessment, research, and evaluation*, 10(1). DOI: [10.7275/jyj1-4868](https://doi.org/10.7275/jyj1-4868)
- Gilbert, p. (2014). The origins and nature of compassion focused therapy. *British journal of clinical psychology*. 53(1): 41-53. DOI: [10.1111/bjc.12043](https://doi.org/10.1111/bjc.12043)
- Inglehart, R., & Norris, P. (2003). *Rising tide: Gender equality and cultural change around the world*. Cambridge University Press.
- Isaacs, N. Z., & Andipatin, M. G. (2020). A systematic review regarding women's emotional and psychological experiences of high-risk pregnancies. *BMC psychology*, 8, 1-11.

- Lesthaeghe, R. (2010). The unfolding story of the second demographic transition. *Population and development review*, 36(2), 211-251. DOI: [10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x](https://doi.org/10.1111/j.1728-4457.2010.00328.x)
- Xu, Y., Manap, J., Aziz, S. F. A., & Ngah, F. H. (2024). A systematic review of factors influencing the childbearing intentions of college students in developed and developing countries. *Social Behavior and Personality: an international journal*, 52(7), 1-12. DOI: [10.2224/sbp.13235](https://doi.org/10.2224/sbp.13235)
- Zarei, M., Najjarpourian, S., & Samavi, A. (2024). Qualitative exploration of the attitudes towards childbearing in Childless working women's. *Journal of Family Relations Studies*. 5(2), 64-73. DOI: [10.22098/JFRS.2024.14949.1188](https://doi.org/10.22098/JFRS.2024.14949.1188)